

تاریخ 2009 / 01 / 21

نظير احمد نظری

متن کامل سخنرانی اوبا ما

من امروز در اینجا با فروتنی، و بر اساس وظیفه ای که در برابر ما قرار دارد ایستاده ام، سپاسگزار اعتمادی هستم که شما به من ارزانی داشتید، و آگاه از فداکاری ها و از خودگذشتگی هایی که اجداد ما تحمل کردند. من از پرزیدنت بوش به خاطر خدماتشان به ملت ما، و نیز بلند نظری و همکاری که ایشان در سراسر دوره انتقالی نشان دادند، سپاسگزاری می کنم.

چهل و چهار امریکایی سوگند ریاست جمهوری یاد کرده اند. کلماتی در جریان امواج خیزان غنا و توانگری و آبهای آرام صلح گفته شده است. با این حال، هر چند گاه، سوگند در میان ابرهای فشرده و توفان های خشمگین یاد شده است.

در این لحظات، امریکا نه تنها به دلیل مهارت یا نگرش کسانی که در مقامات بالا قرار دارند، پیش رفته است، بلکه از این رو که ما مردم به آرما ها و ایده آلهای پدران و اجداد خود وفادار ماده ایم، و به اسناد بنیانگذاری ملتمتا صادق بوده ایم. بنابراین چنین بوده است. و باید با نسل امروز امریکاییان نیز چنین باشد.

در این که ما در میانه یک بحران به سر می بریم تردیدی وجود ندارد. ملت ما با یک شبکه گسترده خشونت و نفرت در جنگ است. اقتصاد ما، در نتیجه آزمندی و بی مسئولیتی برخی، اما همچنین به دلیل شکست جمعی ما در گزینش های درست و آماده ساختن ملت برای عصری جدید، بسیار ضعیف است. خانه ها از دست رفته اند، مشاغل نابود شده اند، دکان ها و مراکز کسب و کار بسته شده اند. بهداشت و درمان ما بسیار گران است، بسیاری قادر نیستند به مدرسه بروند، و شواهد این که راه هایی که ما برای انرژی به کار می بریم دشمنان و رقیبان ما را تقویت می کند و جهان ما را مورد تهدید قرار می دهد، روز به روز بیشتر می شود.

این ها بر اساس داده ها و آمار شاخص های بحران هستند. آنچه کمتر قابل اندازه گیری است، اما عمیق است، کاهش اعتماد در سراسر سرزمین ما است - هراس آزار دهنده که نزول امریکا چاره ناپذیر است، و این که نسل آینده باید دامنه نگرش هایش را پایین بیاورد.

امروز من به شما می گویم چالش هایی که در برابرمان قرار دارد واقعی، جدی و بسیار هستند. رویارویی با آنها آسان و در زما کوتاه ممکن نخواهد بود. اما، امریکا، این را بداند که با آنها مقابله خواهد شد.

در این روز، ما گردآمده ایم زیرا امید را به جای وحشت، و وحدت مقصود را به جای مناقشه و اختلاف برگزیده ایم. در این روز، ما آمده ایم تا پایان ناراحتی های کوچک و قول های دروغین، اتهامات متقابل و تعصبات کهنه و رنگ باخته که گریبان سیاستهای ما را برای مدتی چنین طولانی گرفته است پایان دهیم.

ما ملتی جوان هستیم اما به کلام انجیل، زما آن رسیده است که مسایل کودکانه را کنار بگذاریم. زما آن رسیده است که بر روحیه پویای خود بار دیگر تاکید بگذاریم، تاریخ بهتر خود را انتخاب کنیم، آن هدیه پر ارزش، آن ایده ناب را از نسلی به نسل دیگر منتقل کنیم. قول خدا داده ای که همه برابر هستند، همه آزاد هستند و همه شایستگی آن را دارند که از فرصت دنبال شادی و امید برخوردار شوند.



در تایید دوباره بزرگی ملت ما، ما درک می کنیم بزرگی هرگز به کسی داده نمی شود و باید کسب شود. ما در سفر خود هرگز میانبر نزده ایم و به کم قانع نبوده ایم. این راهی برای افراد ترسو، برای کسانی که لذت را بر کار ترجیح می دهند و یا در جستجوی لذتهای ثروت و شهرت هستند نبوده است، بلکه راه کسانی بوده است که خطر را می جویند و اهل کار

هستند - برخی مشهور اما اغلب بیشتر زنان و مردانی که در کار خود ناشناس هستند ما را در راه طولانی و پر از سنگلاخ به سوی توانگری و آزادی پیش برده اند.

برای ما آنها وسایل دنیوی اندک خود را برداشتند و در جستجوی زندگی جدید اقیانوسها، را پیمودند. برای ما، آنها در کارگاههای فاقد حداقل امکانات زحمت کشیدند و در غرب ساکن شدند، شلاق را تحمل کردند و بر زمینهای سخت خیش زدند. برای ما آنها جنگیدند و مردند، در مکانهایی ماند کنکور، گیتزبرگ، نرمادی و خسان.

این مردان و زنان بارها تلاش کردند، از خود گذشتند، کار کردند و دستهایشان پینه بست تا ما بتوانیم زندگی بهتری داشته باشیم. آنها امریکا را بزرگتر از مجموع جاه طلبی های فردی ما می دیدند، بزرگتر از تمام اختلافهای تولد، ثروت یا جناح.

این سفری است که ما امروز ادامه می دهیم. ما همچنان غنی ترین و نیرومندترین ملت روی زمین هستیم. خلایق کارگران ما از زمای که بحران آغاز شد کمتر نیست. از نو آوری مغزهای ما کاسته نشده است. کالاها و خدمات ما به اندازه هفته پیش، ماه پیش و یا سال پیش مورد نیاز هستند. ظرفیت و توانایی ما کاهش نیافته است اما زما برای بی حرکتی، محافظت از منافع محدود و سر کردن با تصمیمات نامطلوب مسلماً سپری شده است. از آغاز امروز ما باید خودما را بالا بکشیم، گرد و غبار را بزدایم و بار دیگر کار بازسازی امریکا را آغاز کنیم. زیرا ما به هر کجا که نگاه می کنیم کاری وجود دارد که باید انجام شود. وضعیت اقتصاد به عملی گستاخانه و سریع نیاز دارد، و ما عمل خواهیم کرد. نه فقط برای ایجاد مشاغل جدید بلکه برای پی ریزی شالوده ای جدید برای رشد. ما جاده ها و پلها، شبکه های برق و خطوط دیجیتال که بازرگانی ما را تغذیه می کند و ما را به هم پیوند می دهد خواهیم ساخت. ما علوم را به جایگاه بر حق آن باز خواهیم گرداند و شگفتیهای تکنولوژی را برای بالا بردن کیفیت مراقبتهای بهداشتی و پایین آوردن هزینه های آن به کار خواهیم گرفت. ما آفتاب، باد و خاک را برای تامین سوخت اتومبیل های خود و چرخش کارخانه هایما به کار خواهیم گرفت. و ما مدارس و کالجها و دانشگاههای خود را دگرگون خواهیم ساخت تا به درخواستهای عصر جدید پاسخ دهند. ما میتوانیم همه این کارها را انجام دهیم و انجام خواهیم داد.



اینک کسانی هستند که میزان پروازیهایی ما را زیر سوال می کشند - کسانی که می گویند سیستم ما نمی تواند این همه طرحهای بزرگ را تحمل کند. آنها کم حافظه هستند، زیرا آنچه را این کشور قبلاً انجام داده است، آنچه را زنان و مردان آزاد می توانند وقتی تحیل به یک هدف مشترک می پیوندند و شجاعت لازم می شود فراموش کرده اند.

آنچه بدبینان نمی توانند بفهمند این است که زمین زیر پایشان جابه جا شده است - که بحث های سیاسی کهنه که ما را برای مدتی چنین طولانی خسته کرده است دیگر کاربرد ندارد.

پرسش امروز ما این نیست که آیا دولت ما زیاد بزرگ است یا زیاد کوچک است، اما این است که آیا کار می کند - آیا خانواده ها را در یافتن شغل با دستمزدی مناسب و معقول، مراقبتی که بتوانند از پس آن برآیند، و یک بازنشستگی والا یاری می دهد یا نه. جایی که پاسخ آری است، ما قصد داریم پیش برویم. جایی که پاسخ منفی باشد، برنامه ها متوقف خواهد شد. و کسانی از ما که مسوول خرج دلارهای مردم هستیم مسوول خواهیم بود - تا عاقلانه خرج کنیم، به اصلاح عادت های بد بپردازیم، کارما را در روز روشن انجام دهیم - زیرا در چنین صورتی ما می توانیم اعتماد حیاتی بین یک ملت و دولت آن را دوباره برقرار سازیم. سوال پیش روی ما همچنین این نیست که آیا بازار نیرویی برای خوبی یا بدی است. قدرت آن برای تولید ثروت و توسعه آزادی بی بدیل است، اما این بحران به یاد ما آورده است که بدون یک چشم ناظر، بازار می تواند از کنترل خارج شود - و زمای که فقط اغنیا را در نظر داشته باشد، یک ملت نمی تواند غنی شود.

موفقیت اقتصاد ما همیشه نه فقط به اندازه تولید ناخالص داخلی ما، بلکه به گستره توانگری ما، و به توانایی ما در فراهم آوردن فرصت برای هر کسی که آماده کار باشد بستگی داشته است، نه از سر صدقه، بلکه به این دلیل که مطمئن ترین راه به سوی مقصود مشترک ما است.

در مورد دفاع مشترکما، ما گزینش بین ایمنی و ایدال های خود را نادرست می دانیم و رد می کنیم. بنیانگذاران ملت ما، روبرو با خطراتی که ما فقط می توانیم تصور کنیم، برای مسلم ساختن حکومت قانون و حقوق انسان، پیش نویس منشوری را تهیه کردند، منشوری که خون نسل ها آن را گسترش داد. آن ایده آلهای هنوز جهان را روشن می کند، و ما آنها را به خاطر مصلحت رها نخواهیم کرد. و بنابراین، به تمام ملت ها و دولت های دیگری که امروز این مراسم را نگاه می کنند، از بزرگترین پایتخت ها تا روستای کوچکی که پدرم در آن متولد شد، می گویم بدانید امریکا دولت هر ملت، هر مرد و زن و کودکی است که در جستجوی آینده ای همراه با صلح، والایی و شرافت هستند، و ما آماده هستیم بار دیگر نقش رهبری را ایفا کنیم.

به یاد بیاورید که نسل های قبلی فاشیسم و کمونیسم را نه فقط با موشک و تانک، بلکه با اتحادیه های نیرومند و باورها و اعتقادات استوار و با دوام به زیر آوردند. آنها می فهمیدند که قدرت ما به تنهایی نمی تواند از ما حفاظت کند، و نه به ما اجازه می دهد هرگونه که دوست داریم عمل کنیم. برعکس، آنها می دانستند که قدرت ما از طریق استفاده عاقلانه از آن رشد می کند، امنیت ما از درست بودن آرما ما، نیروی ما به عنوان نمونه و سرمشق، کیفیت های معتدل کننده فروتنی و خویشتنداری، نشات می گیرد.

ما پاسداران این میراث هستیم، و با راهنمایی این اصول یکبار دیگر ما می توانیم با تهدیدهای جدیدی که کوشش حتی بزرگتری را - حتی همکاری بزرگتر و تفاهم بین ملت ها را - ایجاب می کند، مقابله کنیم. ما واگذاری مسوولانه عراق به مردم آن را آغاز خواهیم کرد و صلح در افغانستان را که به سختی به دست آمده است تقویت خواهیم کرد. با دوستان و دشمنان سابق، ما به گونه ای خستگی ناپذیر سعی خواهیم کرد تهدید اتمی را کاهش دهیم، و شیخ زمینی را که رو به گرمی می رود از بین ببریم. ما بابت شیوه زندگی خود از کسی پوزش نخواهیم خواست، و نه در دفاع از آن درنگ خواهیم کرد، و برای کسانی که می خواهند هدف های خود را با ترور و کشتار بی گناهان پیش ببرند، ما به شما می گوئیم که روحیه ما قوی تر است و نمی تواند درهم شکسته شود، شما نمی توانید بیشتر از دوام بیاورید، و ما شما را شکست خواهیم داد. زیرا ما می دانیم که میراث درهم آمیخته ما یک قدرت است، نه ضعف.



ما ملتی از مسیحیان و مسلمانان، یهودیان - و ناباوران هستیم. ما از زبان و فرهنگی، که از گوشه و کنار این زمین آمده است شکل می گیریم، و از آنجا که ما طعم تلخ جنگ داخلی و جدایی نژادی را چشیده ایم، و از آن فصل تاریک نیرومندتر و متحدتر بیرون آمده ایم، نمی توانیم باور کنیم که نفرت های کهنه روزی تمام خواهد شد، خطوط قبیله ای به زودی پاک خواهد شد، و در حالی که جهان کوچکتر می شود، انسانیت مشترک ما خودش را آشکار خواهد ساخت، و امریکا باید نقش خود را در طلوع عصر جدید صلح ایفا کند.

به جهان اسلام می گویم ما خواهان راهی جدید برای پیشرفت، بر اساس منافع و احترام متقابل هستیم. و به رهبران سراسر جهان که می خواهند بذر مناقشه بکارند، یا غرب را مسوول ناراحتی ها و ناهنجاری های جامعه خود می دانند، می گویم بدانید که مردم شما درباره شما بر اساس آنچه می توانید بسازید، و نه آنچه نابود می کنید قضاوت خواهند کرد. به کسانی که از طریق فساد و فریب و خاموش کردن ناراضیان به قدرت چسبیده اند، می گویم بدانید که شما در طرف اشتباه تاریخ قرار دارید، ولی ما دست خود را اگر حاضر شوید مشت خود را باز کنید، به سوی شما دراز خواهیم کرد.

به مردم ملت های فقیر، ما عهد می کنیم در کنار شما کار کنیم تا کشتزار هایتان را شکوفا کنید، آبهای پاک را به جریان بباندازید، به بدن های گرسنگان غذا برسانید و افکار گرسنه را تغذیه کنید. به ملت هایی مانند ملت خودما که از فراوانی نسبی بر خوردار هستند، می گوئیم ما دیگر نمی توانیم سنبت به کسانی که خارج از مرزهایما رنج می کشند بی تفاوت باشیم، و نه می توانیم منابع جهان را بدون در نظر گرفتن تاثیر آن مصرف کنیم. زیرا جهان تغییر کرده است، و ما باید با آن تغییر کنیم.

در حالی که ما راهی را که در برابر ما باز شده است بررسی می کنیم، با فروتنی آن امریکاییان شجاع را که، در همین ساعت، در صحراها و کوهستان های دوردست گشت می زنند، به یاد می آوریم و بر آنها ارج می نهیم. آنها حرفی ندارند که می خواهند به ما بگویند، ماند قهرمان به خاک افتاده ای که در گورستان آرلینگتون خفته اند و سالها است زمزمه می کنند. ما بر آنها ارج می گذاریم نه فقط به این دلیل که پاسداران آزادی ما هستند، بلکه از این رو که آنها روحیه خدمت و تمایل به یافتن معنا در چیزی بزرگتر از خودشان را مجسم می کنند. و با این حال، در این لحظه، لحظه ای که یک نسل را تعریف خواهد کرد، دقیقاً همین روحیه است که باید همه ما را زنده نگاهدارد.

زیرا به هما اندازه که دولت می تواند و باید انجام دهد، این سرانجام ایما و تصمیم مردم امریکا است که این ملت بر آن متکی است. مهربانی است که یک بیگانه را وقتی سدها می شکند جلب می کند، کارگران فروتن و بی غروری که ترجیح می دهند از ساعات کار خود بکاهد تا ببینند دوستی کارش را از دست بدهد، این ویژگی ها است که ما را از درون تاریکترین ساعتهایما عبور می دهد. شجاعت آتش نشان است که به یک راهرو دود گرفته هجوم می برد، اما همچنین آمادگی پدر یا مادر برای تغذیه کودکی است، که سرانجام سرنوشت ما را رقم می زند.

چالش ها، ممکن است جدید باشد. ابزاری که ما با آنها مقابله می کنیم ممکن است جدید باشد. اما آن ارزش هایی که موفقیت های ما به آن ها بستگی دارد - سخت کوشی و صداقت، شجاعت و درستی، شکیبایی و کنجکاو - قدیمی هستند، واقعی هستند. آنها نیروی آرام پیشرفت در سراسر تاریخ ما بوده اند. بنابراین آنچه مورد تقاضا است بازگشت به این حقایق است. آنچه اینک برای ما لازم است دوره جدیدی از مسئولیت است - اینکه هر امریکایی تشخیص دهد که ما برای خودما، ملتما و جهان وظایفی داریم، که از روی غیض قبول نمی کنیم، بلکه آنها را با خوشحالی می پذیریم، با این آگاهی راسخ که چیزی راضی کننده تر از انجام وظیفه ای دشوار، که ویژگی ما را توجیه می کند، وجود ندارد. این قیمت و قول شهروندی است. این منبع اعتماد ما است - این آگاهی که خداوند از ما می خواند یک سرنوشت نامشخص را شکل دهیم.



این معنای آزادی ما و نژاد ما است - چرا مردان و زنان و کودکان هر نژاد و هر ایمانی می توانند در آیینی در سراسر این مال با شکوه به یکدیگر بپیوندند، و چرا مردی که پدرش کمتر از شصت سال پیش ممکن بود نتواند در یک رستوران محلی کار کند، اینک در برابر شما ایستاده است یا مقدس ترین سوگند را ادا کند.

بنابراین، بیایید در این روز به یاد آوریم که ما کیستیم و چه راه درازی پیموده ایم. در سال تولد امریکا، در سردترین ماه ها، دسته کوچکی از وطن پرستان در کنار شعله های محتضر آتش در سواحل یک رودخانه یخ زده دور هم جمع شدند. پایتخت رها شد. دشمن پیش می آمد. برف با خون آغشته شده بود. در لحظه ای که پیامد انقلاب ما با

بیشترین تردید روبرو بود، پدر ملت ما دستور داد این کلمات برای مردم خوانده شود: «بگذارید به جهان آینده گفته شود که در عمق زمستان، زمای که چیزی جز امید و فضیلت نمی تواند جان بدر برد، شهر و کشور که از یک خطر مشترک به خود آمده اند، پیش آمدند تا با آن روبرو شوند.»

امریکا، در برابر خطرات مشترکما، در این زمستان سخت، این کلمات بی زما را به یاد بیاوریم. با امید و فضیلت، یک بار دیگر به درون آبهای یخ زده گام بگذاریم، و توفان هایی که ممکن است در راه باشد تحمل کنیم. بگذارید فرزندان فرزندان ما بگویند که وقتی زما آزمون فرا رسد ما اجازه ندادیم این سفر به پایان برسد، پشت نکرديم و نلرزیدیم، و با چشما دوخته به افق و با موهبت خداوند، ما هدیه بزرگ آزادی را حمل کردیم و به سلامت به نسل های آینده تحویل دادیم.